

## "In the name of god"

### Story: hate in love

پارک سویون\*اون احمق اوسکل چرا اومدکلاس ما مٹ حرو\*میاست هع ی اوسکول دیگ مٹ سوکھو رو کم داشتیم -هوانگجین- عه  
چ حلال زاده \*سویون-سوکھوی میچین سکيا \*دیوونه ی حرو\*می \* مگه بهت نگفتم دیر نیای مدرسه قصد کشتن خودتو داری بریم  
روی پشت بوم مدرسه کارت دارم مسخره-سوکھو-هیونگ من مناسفم ایندفعه منو ببخش خواهش میکنم لطفا\*سویون\*چند بار بخشیدم  
پرو شدی یا هومین عوضی چوب بیسبال مخصوص رو ک براش آماده کردم بیار.....-هومین-وایی خیلی بهش اسون میگیری هع  
عوضی دو قطبی\*سویون\* بخواب عوضی لا\*شی\*خوب نقش سویونو بدونید دیگ قدره و این چند اسمی ک میارم گروه قلدر است ک  
کم کم خودمو خودتون ب زودی حفظشون میکنیم\*\*جونهی\*کلاس خوبی بود اما واقعا عقیبای کلاس بم بد نگا میکردن ب هر حال ک  
قرار از این جا برم وای چ صدای بدی میاد صدای چیه اوممم صدا از پشت بوم صدای چیه-هی دیوونه چرا پول توی کیف کوفتیت  
نیست هه!!!!!!!!!!!!!!-دیوونه ی مادر ه\*رزه ب اندازه کافی کنتت نخوردی نمیفهمی امروز بهش نیاز دارم یا!!!!\*با داد\*مگه بم گوش نمیکنی ب  
من نگا کن چشم دریده-سویون سویون\*نفس زنون\* امروز نباید امتحان برینیم-\*سویون-سوکھوی عوضی برای امتحان خوندی دیگ  
عوضی مگه من با تو نیستم بهت رحم میکنم شاخ شدی اینجا-سوکھو-اره خوندم فقط لطفا از جونم بگذر\*جونهی\*رفتم پشت در پشت  
بوم صدای خواهش التماس شنیدم سریع رفتم داخلو با سحنه ی بدی مواجه شدم اره ی چند تا قلدر عوضی بودن ک داشتن ی پسر ه ی  
بی گناه رو میزدن \*سویون\*عه این همون حرو\*می با قیافه ی گوهه ک انتقالی گرفته وایی همون اول ازت بدم میومد داداش\*خوادم  
رو سویون کراشما ناگفته نمونه\*جونهی\* تو دیوونه ای ب خدا چرا صورتش پر خون کردی توی قلدر عوضی ای دست سوک هو رو  
گرفتم و بردمش همراه خودم\*سویون\*توی ذهنش- من حساب این عوضیو میرسم-هومین-باید بزنم دهنش چطور جرعت  
میکنه\*سویون\*نگران نباش گرگا طعمشونو با صبر و حوصله میگیرن.....ی خورده عصی شدم ولی باید ی درس درس حسابی  
بهش بدم زنگ خورد بریم سر کلاس.....سوکھی-ط دیوونه شدی ن تو سویونو نمیشناسی\*جونهی\*احمق ط هم قلدورا رو نمیشناسی  
اکگ خواست میتونست جلوم رو بگیره-سوکھی-تو مگه سویون برات قلدری میکنه مگه تا حالا تا حد مرگ کنتک خوردی ط چی  
میدونی احمق کودن روستایی\*جونهی\*درس حرف بزن من فقط از شهر ب سئول اومدم-منتظر سویون باش منتظر باش برده اش  
باشی\*جونهی\*بهشون تقلب نرسونن تو دردرس میوفتی

سوکھو- ط بعد میفهمی دردرس چیه ..... سلام بچه ها روزتون چطوره نماینده لطفا ب رریف های جلویی برگه هارو بده...  
\*سویون\*یا سوکھوی عوضی اسمتونو بیس باید برگه رو جابه جا کنیم احمق دیوونه حواس معلمو پرت کن بردر نخور -معلم-بچه ها  
خسه نباشد فردا مبینموتون بله\*سویون\*عوضی گمشو بیا اینجا/مگه دیوونه شدم بیام پیش ارازلو اوباش/-هوانگجین-هیقصد داری  
بکشت\*سویون\*مگه بهت نمیگم کاریش نداشته باش/-هومین-هع اولین بار این کلمه رو از توی لعنتی میشنوم چت شد ه شاید مواد زدی  
داداش\*سویون\*مگه بهتون نمیگم خفه شید نفله ها هی مگه با زبون خوش بهت نمیگم بیا مادر خراب/نمیتونی داد زنی/ن گمشو بیا  
پشت بوم حرو\*می/اوکی بریم\*زیادی ریلکس بجم\*هی کله خراب هع اون چوب اونجایی رو بدین ب من/مگه قرار نبود حرف بزنیم  
حیوون/اه ایش لعنتی اعی همه ریختن سرش خلاصه دهنش خونی شده و خوب حسابی زخمی شده\*سویون\*ب قیافت میخوره ک بچ  
پولدار باشی فردا ی کارت بانکی واسم بیار خرید دارم احمق/هع فک کردی میارم/لگد میزنه صرشو بهش میگه تو جرعت داری  
نیار/تو لچ منو نمیدونی احمق/موهاشو گرفته و بهش میگه من سر سوکھو هماینقد رحم نمیگردم ببین صورتت تقریبا سالمه\*الان فکشو  
گرفته تکون میده\*امیدوارم راه غلطو انجام ندی\*سویون تو خونه رو تخت در حال فک کردن\*متمنم جونهی بود...هنوز همون  
چشایگره ایشو مظلومیت در حین لا\*شی بودنشو نگه داشته هیچوقت فک نمیگردم اینجوری بیاد ولی بازم جوری حرف بزنه ک  
ازش بترسمهنوز ازش خوشم میاد لچشو فردا نیاره مٹ سگ میزنمش این حیوون باز نیاره اهه باید ب سوکھو ی عوضی بگم پول  
بیاره سیگارام تموم شده -سوکھو-حتما هیونگ/اهه چقد احمق این بشر یخورده از جونهی یاد میگرقتی گسگیاوای مغزم بگیرم  
بخوابم.../جونهی بیدار شو مدرست دیر میش اه ی روز گند دیگ ک ازش متنفرم\*خوب رفتن ب مدرسه و نشستن/هی عوضی چرا  
نشستی اوسکول حیوون کارت پولم کجاست/من گفتم میارم/اوم پس باید تنبیه شی هومم امشب ساعت نه بیا این ادرس\*.....\*ک تنبیهمو  
بهت بگم جونهی وایمیه و تو چشاش زل میزنه /سویون توی دلش-شبیال دوباره قلبمو از دهنم میاره بیرون /قرار نیس منو یادت بیاد  
نه باورم نمیش اهرم ب اینجا رسیدی احمق/عه پس یادت اومد منو/هی عوضی تو همون اولم اینو میشناختیش/با اینکه یادت بود من  
کیم درخواست کارت پول ازم کردی ب جا مهمونی/ب نظرت اینکارو بکنم بعد از اینکه اینکارو باهام کردی یادت رفته

دنبال شر میگردی-ن مگه همه مثل تو عن-سلام بچه ها صحبتون بخیر.....-هی دیوونه قرار چیکار کنی-چیو چیکار کنم-گشنمه بریم کافه تریا پاشو-هع همین زنگ پیش داشتی جر مون میدادی سی سی-ازت متنفرم امروز پول غدامو بده-فک کردم قرار نی قلدری کنی واسم-هی قلدر ب این مهریونی فقط پول ندارم سوکهو هم ولش کردم ورشکست شدم-عه-اره بریم مردم دیه-باشه.....\*سویون\*ولی بهر حال نمیذارم از چنگم فرار کنی.....از بچی مامانت بهت اهمیت میداد و زندگی خوبی داشتی...ولی من مامانم دامن خونه نبود مٹ دوتا داداش بودیم مامان من مامان تو هم بود بابای من از مامانم جدا شده بود...ولی الان تو شدی کی و من کی شدم البته نقاب و احساساتمو نسبت ب همه چی ازش مخفی میکنم اون از دوست برای من بیشتره فقط میخوام ازش محافظت کنم....-سوجین\*-دوست دختر جونهی\*جونهی زودتر بیا اینجا بیصبرانه منتظرتم..-باشه اومدم فدات شم-سلام عجم\*لوسای چندش\*بغل\*چندش تر تر\*بریم همون کافه هه بعدشم دوکوبکیو سو جو بز نیم چون امشب برام مٹ رویاهاست\*وای خودا!!\*سویون\*کجاعن-دارن قدم میزنن-همینجور دنبالشون کن-باشه-اومم عاشق اون کیکم میشه بخیرمشم-حنما ببخشید گارسون-سویون-موقعیتشونو برام بفروست ترجیح میدم خودم تعقیبشون کنم-اوکی-خوب داستانو خلاصه کنیم اینا میرم دوکوبکی و سو جو بز زن ک جونهی مست میشه...-اهه فکر خوبی نبود-سلام جونهی رقیمه همراه ماشین دارم من میرسونمشم-اهه خیلی ممنون من واقعا عجله دارم باشه-جونهی-جونهی با تو عم درس راه برو افرین برو تو ماشین حالا کمر بندتو ببند-چی میگه-میگم اصن ولش کن...جدی الان باید بخوابی-خوابیدم میگم سویون-بله-چرا ازم متنفری-من ازت متنفر نیستم احمق-پس چرا اینو گفتی-چون توی احمق هیچوقت نمیفهمی دوست دارم

پس اینقد سعی نکن کله شق باشی جونهی...بهتره مراقب خودت باشی چون تو مال منی چی دارم برا خودم زر زر میکنم خوابی-تلفن-الو همون کاری ک بهت گفتمو کردی -معلومه به هتل کاملا مجهز-اوه زیادی نیس یکم-نه بین جبران زحمتته...-وایی خدا اینقد ناز خوابیده-در بغل سویون به سمت اتاق رویایی-خوب یکم استراحت کن-دستشو گرفت ازون لحظه های دراماتیک-کجا میری/اومم جایی نمیرم/سرم واقعا درد میکنه/چرا دستات اینقد داغن بابا داری تو تب میسوزی عه چرا پا میشی بخواب/اخ سرم/رفت حوله آورد و تا صب ازش نگه داری کرد و الان کنار شه تخت خوابش برده/سویون سویون/اوه جونهی ببینم تب داری/تا صب بیدار بودی/اومم حالا چرا ساعت ۶ صبح پا شدی/حالا ک خوبی یکم جا بده منم استراحت کنم/چی میخوای نخوابم/تو اکی تا حالا تو هتل زندگی میکنی مگه نگفتی ور شکسته شدی/اینم برای اینه اخرین هدیه سوکهو ب من یشب تو هتل/هاها پس الان ی شب گذشته/صب کن کجا میخوای بری/وا میخوام برم بیرون دیگ/اینم جبران لطفه برای بیدار موندنم/چی میخوای چیکار کنم/فقط پیشم بمون../داداش عجیب میزنی

اینکه از توی بچی حتی از طرف مادرت عشق دریافت نکنی بهت اسیب میزنه....ولی به نظرتون به دوست خوب میتونه جای این عشقو پر کنه؟!

تو بهم این عشقو دادی ولی چطور تونستی بعد از دبستان همه چیزو عوض کنی؟!-حالا که برگشتی به نظرت میتونی از دستم فرار کنی؟! با گذر زمان ادما عوض میشن و منم نمیخوام چیزیو از دست بدم چون من بیرحمی و عشقو رو از مهمترین ادماهای زندگیم یاد اگر فتم پس بنظرت باید غیر این باشم؟!

عجیب نمیزنم باید برام حداقل جبران کن حداقل با یه صبوحه/بعدشم درخواست بده باهات بخوابم/عه چه پیشنهاد خوبی نظرت / چیه/خل شدی واقعا تو دیشب به جا من مست بودی والا من که الان اوکیم/فقط غذا تو درست کنو گم شو/باشه پادشاه حبشه درخواستی داشتی در خدمتم/فقط غذای آماده رو برای من بیار باشه مثلا تو هتلیم اینقد جبران لطف سخته/هعی میرم فقط زر زنن^صدانگ گوشه^ببین مامانم زنگ زد الو/جونهی کجایی نگرانم شدم نبود/ببخشید دیشب پیش سویون بودم/سویون؟همون سویونی که همسامون بودو میگی؟/اره/برای ناهار بهش بگو بیدار/مامان واقعا لازمه/همینقدر زود دوست بچگیتو به کتفت گرفتی/باشه میارمش همیشه اون بچه ی واقعیت بوده ما اینجا کلیم/فقط بچمو بیار وگرنه خونه بیای پاتو پودر میکنم/باشه/بابا/ایشش ازت متنفرم/پس من خیلی خوشم میاد ولی دلم برای غذا های خاله تنگ شده/خوب خلاصه صبوحنرو خوردنو رفتن خونه ی خالهج جونمون/سلام خاله>سویونننننننننننننن چقد بزرگ شدی وقتی جابه جا شدین خیلی دلم برات تنگ شد این روزا خوب غذا میخوری/معلومه/ولی چجوری همو شناختیت بنظر من ک خیلی عوض شدی/اوه جدی معلومه خوشتیپ تر شدم/نخیرم شبی گاوی^یه پس کله ای به



نمیخواست دوباره سویونو ببینم و همچنین سویون با معذب بودن سلام میکنه و بخاطر جمع کردن قضیه میره پیششون میشینه هردو ساکتن و تو دلشون سوکهو رو نفرین میکنن و همچنین سویون ک در حین حال خوشحالیش ب خاطر دوری کردن جونهی عصیبه ولی وقتی جونهی اونو پریشو مبینه پیشنهاد میده باهم برن شهر بازی

شهر بازی؟!/اومم خیلی وقت نرفتم/بنده پولی ندارم/سوکهو طبق روال فاز ایلون ماسک:مهمون من:/ج:اومم بریمم:/س:باشه اگه تو میخای بریم:/سوک:انگار ن انگار منم میخوام بیام:/ج:خوب پاشین جمع کنید برید:/س:بابت قهوه ممنون/توی راه^:ج:سوکهو؟!/بله؟/په پشت پایی بش میزنه و جونهم دست پا چلفتیه خاست بیوفتی ک سویون میگیرتش:س:مراقب باش.../لکنت زبان^بیبباشه؟ عه سویون ازون پشمکایی ک بچگیات دوست داشتی/دیگه دوس ندارم/شوخی نکن بیا خودم برات میگیرم/حالا ک اثرار میکنی باشه/واحد بیا تو عم یکم بخور/اومم خوشمزه ست/صب کن سوکهو کجاست؟

چ میدونم....بزا بش زنگ بزnm صب کن پیامک داده نوشته کار براش پیش اومده/ولی حالا که اومدیم بریم یکم بازی...

بعد از کلی بازی توی چرخ و فلک....